

برنامه درسي اطلاع‌رسانی در كشورهاي توسعه‌یافته و در حال توسعه*

فصلنامه اطلاع‌رسانی. دوره ۱۶، شماره ۱ و ۲

اثر: اف. دلبو. لانکاستر

ترجمه: لیلا مرتضایی

عضو هیأت علمی مرکز اطلاعات و مدارك علمی ایران

چند سال پیش الگوی کلی برنامه درسی اطلاع‌رسانی را منتشر کردیم که جزئیات قابل توجهی از آنچه را که این برنامه باید شامل شود ارائه می‌داد (لانکاستر، ۱۹۸۸). این الگو که در تصویر ۱ آمده، براساس ویرایش اصلاح شده‌ای از «چرخه انتقال اطلاعات» که ابتدا توسط «کینگ» و «براینت» (۱۹۷۱) ارائه گردید تهیه شده است.

اطلاع‌رسانی اساساً بین رشته‌ای است و همه پدیده‌هایی را که در انتقال اطلاعات دخالت دارند، از تولیدکننده تا مصرف‌کننده، شامل می‌شود. برنامه درسی باید به تمام اجزای این چرخه انتقال اطلاعاتی بپردازد، زیرا که تمام آنها با یکدیگر تعامل دارند و آگاهی از این تعاملات در طراحی و مدیریت کارآمد خدمات اطلاعاتی اهمیت دارد. این الگو بعضی از لوازم مهم زیرا را با خود دارد.

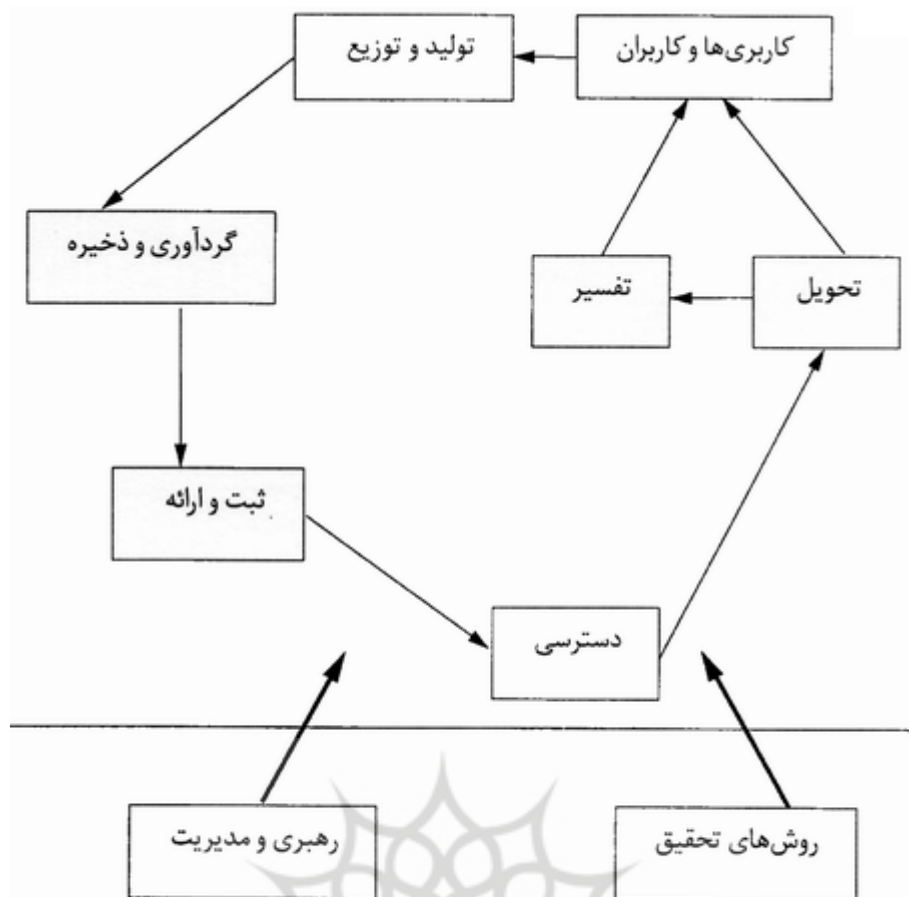
۱- دانشجویان اطلاع‌رسانی باید در سطوح گوناگون با تمام اجزای چرخه انتقال اطلاعات آشنا شوند. تعاملات این اجزای مختلف باید از منظر گسترده‌ای ملاحظه شود و تأکید بر عملیات يك موسسه (مثلاً کتابخانه) کاهش یابد.

۲- باید بر وجوه اشتراك کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی - به جای تفاوت‌های آنها - تأکید شود. کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی جملگی درگیر فعالیت‌هایی اساساً مشابه هستند. عملکردهای کتابخانه مثلاً دانشسرای کشاورزی تفاوت عمده‌ای با عملکرد کتابخانه ملی ندارند. تنها تفاوت‌های اساسی ناشی از میزان و نوع مخاطبانی است که خدمات دریافت می‌کنند، که این امر بر دامنه و حوزه خدماتی که ارائه می‌شود اثر می‌گذارد. از این گذشته، عملیات يك تولیدکننده پایگاه اطلاعاتی بسیار مشابه با کارهایی است که در کتابخانه انجام می‌شود - مانند انتخاب، فهرست‌نویسی/نمایه‌سازی/چکیده‌نویسی مواد، خدماتی که ارائه می‌شود.

۳- موضوعاتی که در طول سال‌ها به برنامه درسی پیوند خورده‌اند، اکنون باید در برنامه درسی ادغام شوند. از جمله این موضوعها خودکارسازی، تحلیل نظامها، بازیابی اطلاعات و کتابسنجی هستند. بخصوص این مطلب اهمیت دارد که از آن تمایز - تا حدی - مصنوعی که بین منابع چاپی و منابع الکترونیکی ایجاد شده، چشم‌پوشی شود.

در شکل ۱، دو زمینه مطالعاتی بر چرخه اطلاعات افزوده شده است. این دو زمینه - که اساساً روش‌های مدیریت و تحقیق هستند - به جای اینکه اجزایی از خود چرخه باشند، به عنوان زمینه‌هایی شناخته می‌شوند که بر همه اجزای چرخه انتقال اطلاعات تأثیر می‌گذارند.

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱- محتوای برنامه درسی اطلاع‌رسانی

۹ مستطیل موجود در نمودار نشان‌دهنده مواد برنامه درسی علم اطلاع‌رسانی است. شرح بیشتر جزئیات مربوط به آنچه برنامه درسی در هر يك از زمینه‌ها ممکن است شامل شود، در مقاله لانکاستر (۱۹۸۸) ارائه شده است. باید دانست که این ۹ زمینه مطالعاتی الزاماً بیانگر دوره‌هایی با همین نام نیستند. روشن است برخی از این زمینه‌ها باید در حد کفایت توسط چندین «دوره» - با معنایی که ما از دوره در نظر داریم، پوشانده شوند. برنامه درسی پیشنهادی، مطالب را به روشی نسبتاً متفاوت از آنچه در حال حاضر در اغلب دانشگاه‌ها کنار هم قرار گرفته، نظم می‌دهد. بسیاری از مباحثی که دوره‌های کنونی به آنها می‌پردازند، بازبینی شده و در سراسر برنامه درسی پخش شده‌اند. این مباحث از جمله عبارت اند از خودکارسازی، بازبانی اطلاعات، تحلیل نظام‌ها، سنجش و ارزیابی، کتابسنجی، و همه جنبه‌های تاریخی. همانطور که قبلاً بیان شد، فرض بر این است که هر دانشجو با سطحی از همه آن ۹ جزئی که مشخص شد آشنا شود.

یکی از امتیازات آشکار برنامه پیشنهادی کل‌نگر بودن آن است. با پرداختن به پدیده انتقال اطلاعات در يك توالی زمانی و منطقی، و از مرحله پیدایش اطلاع تا همگون‌سازی و کاربردهای بعدی آن، از بروز شکاف در پوشش مطالب اجتناب می‌شود و تکرارهای غیرلازم دروس حذف می‌گردد.

نیازهای کشورهای کمتر توسعه‌یافته

در بیست سال گذشته توانسته‌ام در زمینه‌های مختلف اطلاع‌رسانی در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته تدریس کنم. با این تجربه و همراه با فرصت‌هایی که برای بحث درباره برنامه درسی با تعداد زیادی از کادر آموزشی این کشورها به دست آمد، به تفاوت‌های احتمالی بین نیازهای برنامه درسی اطلاع‌رسانی در دنیای توسعه‌یافته و در حال توسعه علاقه‌مند شدم.

کشورهای کمتر توسعه‌یافته با برخی مشکلات بارز در مورد برنامه درسی اطلاع‌رسانی مواجه‌اند، که در کشورهای پیشرفته وجود ندارد یا وضوح کمتری دارد. از جمله مشکلات عبارت‌اند از:

۱- فقدان منابع؛

۲- دیوانسالاری بیشتر؛

۳- تقاضای پایین برای خدمات اطلاعاتی؛

۴- روش‌های سنتی تدریس (مبتنی بر جزوه درسی و سخنرانی)؛

۵- فقدان استانداردهای، همکاری و تمرکز؛

۶- تفاوت‌های عمده بین انواع کتابخانه‌ها؛

۷- تنوع فرهنگ‌ها و زبان‌ها؛

به دلیل فقدان منابع مالی، هنوز بسیار از نهادهای آموزشی به جنبه‌های فناوری، از جمله خودکارسازی کتابخانه‌ها و

مراکز اطلاع‌رسانی به طور کلی، صرفاً در سطح نظری می‌پردازند. از این رو تأکید برنامه‌ی درسی، به جای منابع اطلاعاتی الکترونیکی، باید همچنان بر مواد چاپی باشد. فقدان منابع به این معنا نیز هست که برنامه‌ی درسی باید همچنان به روش‌ها و روندهایی بپردازد که در اغلب کشورهای که دارای فناوری پیشرفته‌اند اساساً منسوخ شده‌اند. این وضعیت اغلب با دیوانسالاری‌هایی که احتمالاً بر نگهداری مدارک دستی کهنه و بیفایده پافشاری می‌کنند وخیم‌تر می‌شود. دیگر معنای ضمنی فقدان منابع آن است که در آموزش اطلاع‌رسانی باید به روش‌هایی که به وسیله آنها می‌توان منابع ناکافی را به نحو موثرتری مدیریت و بهره‌برداری کرد توجه بیشتری معطوف گردد. یکی از وجوه این روش‌ها، نقش کتابخانه به عنوان تولیدکننده محصولات اطلاعاتی (مانند پایگاه‌های اطلاعاتی و فهرست‌های راهنما) است. تقاضای اندک برای خدمات اطلاعاتی در سراسر کشورهای کمتر توسعه‌یافته، بر ضرورت تأکید فراوان بر شیوه‌های ترویج و بازاریابی خدمات اطلاعاتی در برنامه‌ی درسی دلالت دارد.

فقدان استانداردهای، همکاری و تمرکز که ویژگی اغلب کشورهای در حال توسعه است، دلالت بر آن دارد که در برنامه‌های درسی باید تفاوت‌های محلی در روش‌ها و رویه‌ها را به حساب آورد. در این ارتباط باید به این واقعیت توجه کرد که برخلاف وضعیت موجود در اغلب کشورهای توسعه‌یافته که کتابخانه‌ها بتدریج مانند هم می‌شوند، در کشورهای در حال توسعه هنوز اختلافات بسیاری بین انواع کتابخانه‌ها - کتابخانه‌های دولتی، دانشگاهی، عمومی، آموزشگاهی، صنعتی، و... وجود دارد. در نتیجه ممکن است هنوز لازم باشد که دوره‌ها، یا حتی کل برنامه‌های درسی به فعالیت‌ها و خدمات یک نوع خاص از کتابخانه‌ها بپردازند.

تفاوت‌های فرهنگی و زبانی نیز مشکلات خاصی را در کشورهای کمتر توسعه‌یافته موجب می‌شوند - از لزوم پرداختن به خطاهای متعدد (مثلاً در فهرست‌نویسی) گرفته تا مشکلات خاص مدیریت کارکنان که ناشی از تفاوت در دین، طبقه اجتماعی و عوامل دیگر است.

البته همه کشورهای در حال توسعه مشابه هم نیستند و مشکلی که در یکی وجود دارد ممکن است در دیگری نباشد. اما مسایلی که در بالا ذکر شدند ظاهراً از مسائلی اند که گریبانگیر همه کشورهای در حال توسعه هستند و آنها را از کشورهای توسعه‌یافته، در زمینه آموزش اطلاع‌رسانی متمایز می‌کنند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا الگوی برنامه‌ی درسی مبتنی بر چرخه انتقال اطلاعات، که پیش‌تر توصیف شد، در کشورهای در حال توسعه نیز همچون در کشورهای توسعه‌یافته قابل اجرا است؟ من قویاً احساس می‌کنم که این موضوع اهمیت اصولی دارد. به این معنا که امروزه برای دانشجویان اطلاع‌رسانی، در هر جا که باشند، مهم است که درکی از پدیده انتقال اطلاعات در گسترده‌ترین بافت آن داشته باشند. در حالی که جزئیات برنامه درسی باید از جایی به جایی تا حدودی فرق کند (مثلاً تفاوت‌های بسیاری بین صنعت چاپ چین و آمریکا وجود دارد)، ولی محتوای کلی باید یکسان باشد. به بیان دیگر، این واقعیت که کشورهای کمتر توسعه‌یافته با کشورهای پیشرفته از جهات مختلف - فناوری و دیگر جنبه‌ها - متفاوت اند، ارزش رویکرد کل‌نگر به برنامه‌ی درسی را نفی نمی‌کند.

البته برای یک موسسه [آموزشی] آسان نیست که از یک برنامه‌ی درسی سنتی‌تر (شاید برنامه‌ی درسی اصلی کتابداری با مباحثی از فناوری اطلاعات) به یک برنامه‌ی درسی اساساً متفاوت متحول شود. این امر در مؤسسات موجود در کشورهای توسعه‌یافته و نیز در مؤسسات موجود در کشورهای در حال توسعه مصداق دارد. اما شاید روزآمد کردن برنامه‌ی درسی مؤسسات موجود در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به دلیل وجود روش‌های تدریس بسیار انعطاف‌ناپذیر (مبتنی بر جزوه درسی و سخنرانی)، نبودن کادر آموزشی که مایل و قادر باشد با برنامه‌ی درسی کمتر سنتی کار کند، نبود بازار کار برای دانشجویانی که از این دوره‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند، و به دلیل ترس عمومی از دگرگونی و از دست دادن نظارت، بسیار مشکل باشد. از این گذشته، در بعضی از کشورها - مانند هند - شیوه‌های نسبتاً خشک امتحانات دانشگاهی (که امکان دارد مدرس و ممتحن یکی باشند) مانع تغییر می‌شود.

به این مطلب نیز باید توجه داشت که بعضی از کشورهای در حال توسعه ممکن است، به دلیل هدف‌های مشخص، به برنامه‌های درسی بین رشته‌ای نیازمند باشند. مثلاً شاید لازم باشد در برنامه‌ای که برای تربیت «کتابداران پابرهنه» برای کار در مناطق دورافتاده روستایی طراحی شده، مهارت‌هایی بسیار پیش‌تر از مهارت‌های سنتی کتابداری گنجانده شوند و به زمینه‌هایی مانند روش‌های آموزش، تحقیق در ارتباطات، و جامعه‌شناسی روستایی توجه شود.

حرفه کتابداری، شاید بیش از سایر حرفه‌ها، خود را به طور جدی در چالش با محیط اجتماعی و فناورانه‌ای که به سرعت در تغییر است می‌یابد. منابع اطلاعاتی و قالب‌بندی آنها همچنان زیاد می‌شود و اطلاعات بیش‌تر و بیش‌تری به شکل الکترونیکی توزیع می‌شود، یا به صورت‌های دیگر در دسترس قرار می‌گیرد. البته برخی از آنها، مانند مکاتبات الکترونیکی، مجلات غیررسمی ارتباط پیوسته، و تبادلات کنفرانس‌های رایانه‌ای، بسیار غیررسمی و ناپایدار هستند. مؤسساتی که کتابخانه‌ها بخشی از آنها را تشکیل می‌دهند نیز در حال تغییرند، بخصوص کتابخانه‌های علمی - پژوهشی، که خود را اجزای دانشگاه‌هایی می‌یابند که بیش از پیش الکترونیکی می‌شوند. در آینده‌ای نه چندان دور، احتمالاً تغییرات باز هم بنیادی‌تری در کل نظام ارتباطات علمی رخ خواهد داد. کاملاً امکان دارد که صنعت نشر تجاری کنار گذاشته شود و دانشگاه‌ها خود ناشر منابع تحقیقاتی شوند.

در چنین محطی پرچالش‌ی، ما نه فقط به جاشویی ساده، بلکه به ناخدا و دریانورد احتیاج داریم. این امر مستلزم برنامه‌ی درسی‌ای است که در عین حال دوراندیشانه باشد. کشورهای در حال توسعه از این تغییرات فراوان، تأثیرات اندکی پذیرفته‌اند، ولی نمی‌توانند از تأثیر آنها در آینده برکنار بمانند. اکنون در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، درست مانند کشورهای پیشرفته به دوراندیشی نیاز است.

منابع

- King, D. W. and Bryant, E. C.: The Evaluation of Information Services and Products. Arlington. Va., Information Resources Press. 1971.
- Lancaster, F. W.: "The curriculum of information science." In: Library Automation and Information Networks 1988: Proceeding of a Seminar, Taiwan, R. O. C., June 6-12, 1988: ed. by T. W. Chang. pp. 205-223. Taipei, ROC Committee for Scientific and Scholarly Cooperation with the U. S., 1988.

Lancaster, F. W.(1994): "The curriculum of information science in development and developing countries" in Libri 1994: Vol. 44. no. 3. pp 201-205



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی